

در آموزه های تربیتی دین اسلام مباحث زیادی مطرح شده است که یکی از این مباحث ذکر شده توکل است. توکل بر خدا و اعتماد به او از عوامل تقویت کننده ی عزم است. توکل به معنای اعتماد بر خدا و واگذار کردن نتیجه ی کارها به خداست. از مهم ترین موارد توکل ابعاد مادی و معنوی می باشد: در بعد مادی، نیاز همه انسان ها حتی پیامبران در صحنه های زندگی و مقابله با دشمنان مهاجم است و در بعد معنوی، پذیرش مرجعیت خدا و تکیه گاهی قوی و مطمئن برای راهیان حق را می توان اشاره کرد. با توجه به آثاری که بیان شد، به این نکته می توان دست یافت که علی رغم این که توکل یک امر معنوی است، ولی آثار دنیوی توکل را نیز نمی توان نادیده گرفت. داده های اولیه نوشتار حاضر با بهره برداری از روش کتابخانه ای گردآوری شده و با استفاده از روش توصیفی پردازش شده است.

واژگان کلیدی: توکل بر خدا، قرآن کریم

نام محقق: زهرا موسی رضا

طلبه سطح دو- پایه سطح چهارم

عنوان تحقیق:

آثار توکل از دیدگاه قرآن کریم

حوزه قاسم ابن الحسن (ع)

1394

عنوان	صفحه
مقدمه.....	1
1. مفهوم شناسی واژه کلیدی.....	2
1-1 معنای لغوی "توکل".....	2
1-2 معنای اصطلاحی "توکل".....	3
2. آثار توکل از دیدگاه قرآن.....	3
1-2- آثار مادی توکل.....	3
1-1-2- نیاز همه انسان ها حتی پیامبران در صحنه های زندگی.....	4
2-1-2- دور ماندن از پیامدهای اعراض از مسلمان.....	5
3-1-2- مقابله با دشمنان مهاجم.....	7
4-1-2- ضرورت امیدواری و اتکال مجاهدان به خداوند در رویارویی با دشمنان.....	8
2-2- آثار غیر مادی توکل.....	9
1-2-2- پذیرش مرجعیت خدا در تمامی امور.....	9
2-2-2- استقامت در مسیر دعوت توحیدی.....	11

- 13.....3-2-2- توصیه الهی به مؤمنان
- 14.....4-2-2- توصیه الهی به پیامبر (ص)
- 16.....5-2-2- تکیه گاهی قویم و مطمئن برای راهیان حق
- 17.....نتیجه گیری
- 18.....فهرست منابع

موضوع مقاله حاضر تحت عنوان آثار توکل بر خدا از منظر قرآن است. در قرآن کریم مباحث زیادی در این باره مطرح شده است. حال در این جا سؤالی مطرح است که چرا فقط می توان بر خداوند متعال توکل کرد و جز او هیچ کس دیگر شایسته این اعتماد نیست. پاسخ این سؤال را این گونه می توان بیان کرد؛ چون خداوند آسمان و زمین را خلق کرده اگر به انسان گزندى برسد فقط خداست که دور کننده گزند از اوست، و اگر رحمتی به انسان برسد می داند که از جانب اوست. پس به خداوند توکل می کند.

انسان متوکل خداوند را تکیه گاهی مطمئن برای خود قرار می دهد و امورش را به او واگذار می کند. توکل رابطه مستقیمی با معرفت به خدا و ایمان به او دارد. هر چه درجه ایمان بالاتر باشد، اعتماد و توکل انسان بر خدا نیز افزایش می یابد. انسان متوکل خود را به کسی وابسته می یابد که از هر کس نسبت به او مهربان تر، دلسوزتر و در انجام کارها تواناتر است. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می دهد و به آینده امیدوار می کند؛ زیرا می داند اگر نتیجه را به خدا واگذار کند هر نتیجه ای که به دست آید، به مصلحت اوست اگر چه خود بدان مصلحت آگاه نباشد.

در راستای تبیین پیشینه این مقاله، پایان نامه ای تحت عنوان "توکل از دیدگاه قرآن" توسط سرکار خانم نجمه سادات میرترابی حسینی در دانشکده علوم قرآنی در شهر قم در سال 1382 انجام شده است.

در این مقاله توکل بر خدا و اهمیت آن و نیز آثار توکل در دو بعد مادی و غیرمادی بررسی شده است.

1- مفهوم شناسی واژه کلیدی:

در این بخش از مقاله واژه "توکل" از جهت لغوی و اصطلاحی بررسی می شود:

1-1- معنای لغوی "توکل":

مراجعه به لغت نامه ها نشان می دهد که توکل در لغت به معنای تکیه نمودن بر کسی و اعتراف کردن به ناتوانی خود و کار را به دیگری وا گذاشتن و سپردن است.¹

ابن منظور در راستای تعریف توکل چنین می نویسد:

« وکل: فی اسماء الله تعالی الوکیل: هو المقيم الکفیل بارزاق العباد، وحقیقته أنه یستقل بامرہ الموکول الیه و فی التنزیل العزیز: أن لا تتخذوا من دونی وکیلا؛ در اسماء خداوند، وکیل آمده و وکیل برپادارنده و ضامن و کفالت دارنده ی ارزاق بندگان و حقیقت وکالت الهی آن است که تمام امورات فقط به خدا واگذار شود، همان طور که در آیه داریم: «ان لا تتخذوا من دونی وکیلا؛ غیر از من کسی را وکیل نگیرید»²⁻³

¹. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج 10، قم: نشر صدر، 1376، ص 394

². اسراء، آیه 2

³. محمد ابن منظور، لسان العرب، ج 11، بیروت: نشر دار صادر، 1414 ه ق، ص 734

« رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا؛ همان خدایی که پروردگار مشرق و مغرب

است جز او معبودی نیست».^۱

در تفسیر المیزان چنین آمده است: " فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا" - یعنی خدا را در همه امورت وکیل بگیر، و وکیل گرفتن به این معناست که انسان غیر خودش را در جای خود بنشاند، به طوری که اراده او به جای اراده آدمی کار کند، و عمل او هم عمل خود آدمی باشد، پس اینکه انسان خدای تعالی را وکیل بگیرد، به این است که آدمی تمامی امور را از آن خدا و به دست او بداند، اما در امور خارجی و حوادث عالم، به اینکه نه برای خودش و نه برای هیچ یک از اسباب ظاهری استقلال در تاثیر قائل نباشد، چون در عالم وجود، هیچ مؤثری (به حقیقت معنای تاثیر) به جز خدا وجود ندارد، و در نتیجه داشتن چنین اعتقادی، در احوال مختلف رضایت و خشم و مسرت و تاسف و غیره، دل به هیچ سببی نبندد، بلکه در مقاصد و آرزوهایش متوسل به آن سببی شود که خدای تعالی معرفی کرده، آن هم نه به طوری که برای آن سبب استقلال در تاثیر قائل باشد و بدان مطمئن گردد بلکه ظفر یافتن به مطلوب را از خدا بداند، تا هر چه خدا برایش صلاح دانست اختیار کند.

و در اموری که ارتباط به عمل او دارد و خلاصه در وظایف عملیش در عبادات و معاملاتش، اراده خود را تابع اراده تشریعی خدا کند، در نتیجه طبق اراده او و مطابق قوانین او عمل کند.^۲

^۱. مزمل: ۹

^۲. علامه طباطبایی، همان، ج ۲۰، ص ۱۰۳

از نظر علامه طبرسی در کتاب مجمع البیان این چنین ذکر شده: خدا بر آن چه که به تو (پیامبر) وعده فرموده، بسنده و کافی است و با دلی استوار بر او توکل و اعتماد کن و کار خود را به او واگذار که او را بهترین یاور و حمایت گر و نگهبان خواهی یافت.^۱

5-2-2- تکیه گاهی قویم و مطمئن برای راهیان حق:

آنان که در پی تکیه گاه هستند؛ فقط باید خداوند را تکیه گاه خویش قرار دهند و بر او توکل کنند.^۲ چنانکه در قرآن کریم این چنین ذکر شده:

« وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا ... وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ » ؛ و ما را

چیست که بر خدا توکل نکنیم در حالی که ما را به راه های خودمان هدایت نموده؟!... و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند.^۳

در برخی از تفاسیر این چنین آمده است: معنای آیه این است که: ما چه عذری می توانیم داشته باشیم در این که به خدا توکل نکنیم، و حال آن که خدای تعالی ما را به راههایمان هدایت فرمود، و ما خود در این سعادت و این نعمت بزرگ که بر ما منت نهاده دخالته نداشته ایم، چون که خدای سبحان، این کار را با ما کرده و چنین نعمتی که تمامی خیرات در آن است. به ما ارزانی داشته، لازم است در سایر امور خود هم، بر او توکل کنیم.

و این کلام، در حقیقت حجت دومی است بر وجوب توکل بر خدا چون در این حجت، مطلب را از راه دلالت ثبوت ملازمی بر ملازم دیگر اثبات نموده است یعنی از راه ثبوت هدایت، وجوب توکل را اثبات کرده هم چنان که در حجت قبلی از راه خود مؤثر، برهان آورد، بیان این حجت این است که: هدایت خدا ما را به راههایمان، خود دلیل بر وجوب توکل ما بر اوست زیرا

^۱. علامه طبرسی، همان، ج 15، ص 358

^۲. هاشمی رفسنجانی، همان، ج 9، ص 50

^۳. ابراهیم: 12

می‌دانیم که او به بندگان خود خیانت نمی‌کند، و جز خیر برای ایشان چیز دیگری نمی‌خواهد، و با اینکه چنین دلیلی بر وجوب توکل داریم، دیگر چه دلیلی بر عدم آن می‌توانیم داشته باشیم تا عذر ما باشد. و چون با بودن دلیل بر وجوب توکل، معقول نیست دلیلی هم بر عدم وجوب باشد، ناگزیر هیچ راه و عذری برای عدم توکل بر خدا، نخواهیم داشت.

پس جمله "وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ" به منزله دلیل "لَمْ ي" و جمله "وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا" به منزله دلیل "أَنِّي" است.^۱

از نظر علامه طبرسی این چنین آمده است: «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ» و ما را چه شده است که بر خدا توکل نکنیم؟ با این که او راه توکل و اعتماد را به ما نشان داده و راه های نجات و نیکبختی برای ما رهنمون شده است. به باور برخی منظور این است که او ما را به راه هدایت و بر طریق شناخت خود راه نموده و برای عبادت و خودسازی، به ما توفیق ارزانی داشته و از آفت شرک و کفر دورمان ساخته و به پاداش بسیار ارزانی داشته است. با این بیان منظور این است که اگر ما به راستی مردمی هدایت یافته باشیم نباید جز خدای یکتا توکل کنیم.^۲

^۱. علامه طباطبائی، همان، ج ۱۲، ص ۴۴

^۲. علامه طبرسی، همان، ج ۷، ص ۳۴۳، ۳۴۴.

نتیجه گیری:

برداشتی که از این مباحث ذکر شده می توان گرفت این است که توکل کردن به معنای گفتن یک جمله نیست بلکه امری قلبی و درونی است و در این صورت مؤثر واقع می شود. به عبارت دیگر اگر توکل همراه با معرفت و اخلاص باشد، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست، پیش خواهد آورد. خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هاییتوجه دارد که ما درک نمی کنیم. چیزهایی را ما به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست یا اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که در واقع به نفع ماست. بنابراین شایسته است با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره سازی خداست.

فهرست منابع:

× قرآن کریم

- 1) ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دار صادر، 1414 هـ ق، ج 11
- 2) حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، قم: صدر، 1376، ج 10
- 3) خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: گلشن، 1377، ج 1
- 4) راغب اصفهانی، سید محمد، مفردات قرآن کریم، ترجمه: حسین خد پرست، قم: نوید اسلام، 1392
- 5) طباطبایی، علامه سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1387، ج 4-5-12-17-18-19-20
- 6) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: فراهانی، 1374، ج 6-7-13-14-15-24
- 7) هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1385، ج 16-18-19